



۲۰۱۵/۱۲/۱۱

م. اسحاق نگارگر

## ضرب المثل ها آیینۀ قدنمای هر فرهنگ است!

من در هر زبان ضرب المثل ها را بسیار دوست دارم. ضرب المثل ها نه تنها آیینۀ قدنمای هر فرهنگ می باشد که



یک نوع تجارب جهانی را نمایش و نشان می دهد که مردم جهان تجربه های مشترک داشته اند و چه بسا که سخنان نغز یک فرهنگ عبرت آموز دیگران نیز می باشد. من نمی دانم که کی در کجا و به ارتباط چه موضوع این سخن نغز را بر زبان آورد که قلبه زور بر سر بام می گردد اما هنگامی که وضع جهان را تماشا می کنم این گفته نغز در برابر چشمانم می ایستد. نخستین بار وقتی بود که حزب دیموکراتیک خلق دست به کودتای ثور بُرد و جمهوری داوود

خان را ساقط کرد تا این جا که مشکلی در کار نبود زیرا که داوود خان قدرت را در انحصار خود گرفته بود و هر کشور در راه سفر به سوی یک نظام مردم سالار این حلقه های انحصاری را می شکند تا که به یک نظام مبتنی بر اراده کامل مردم و انتخابات می رسد.

بزرگ ترین اشتباه حزب دیموکراتیک خلق که تا هنوز صد در صد روشن نگردیده است که مرتکب آن کدام جناح آن حزب بود همین دعوت روس ها برای اشغال کشور بود.

جناح پرچم با تأکید مدعی گردیده است که حفیظ الله امین از روس ها خواست که بیایند و کودتای ثور را از دست مخالفانش نجات دهند. اما دعوت حفیظ الله امین از این جهت با عقل سلیم جور نمی آید که روس ها او را کشتند و طرفدارانش را که رهبر جناح پرچم به نام باند امین یاد می کرد به زندان ها فرستادند. به هر صورت روس ها خواستند قلبه زور را بر بام افغانستان بگردانند که در ماندند زیرا امریکا که خود در دهه شست قرن بیست خواسته بود قلبه زور خود را بر بام ویتنام بگرداند به کمک روس و چین در ویتنام شکست خورده و اینک فرصت یافته بود که انتقام بگیرد؛ اما یک چیز در این میان عجیب بود که امریکا از تجاوز بر ویتنام جان سالم بدر بُرد زیرا که سیستم مبتنی بر دیموکراسی و انتخابات بود که یک رئیس جمهور رفت و به جایش دیگری آمد و چون بار اقتصاد بر شانه دولت نبود زیان های اقتصادی قسماً جبره شد اما تجاوز شوروی بر افغانستان گلیم یک نظام استبدادی و زورگوی را از پهنه تاریخ جمع کرد.

در شرق میانه که عمده ترین پایگاه منفعت امریکا است رژیم شاه در ایران ساقط شد و جایش را به یک دیکتاتوری تند رو شیعی مذهب داد که امریکا را شیطان بزرگ می دانست و دیپلمات هایش را به گروگان گرفته بود و نماز های جمعه را به نماز های عبادی - سیاسی بدل کرده بود که آب از دهان ها می افتاد ولی مرگ بر امریکا نمی افتاد. در همسایگی ایران خواب دیکتاتور عراق یعنی "صدام حسین" نیز پریشان گردیده بود که همسایه در به دیوارش از

صدور انقلاب صحبت می کرد و او می ترسید که مبدا حکومت اقلیت سنی که حتی کُرد های سنی را نیز از خود رانده بود با صدور انقلاب شیعی ایران سقوط کند.

شاید به تحریک امریکا و غیر مستقیم به تحریک یهودیان امریکایی "صدام حسین" خواست علاج واقعه را قبل از وقوع کند و بنا بر این آتش جنگ عراق و ایران را در داد اما حاصل خرمن هر دو کشور را که عمدتاً بر اختلاف شیعه و سنی بر ضد یکدیگر عمل می کردند امریکا و اسرائیل برای خود بُردند و بعد از ده سال جنگ هر دو طرف به پلنگ های بی چنگ و دندان بدل شده بودند که رژیم های مسلمان منطقه نیز به جای اینکه از شیوه مسلمانان استفاده کرده جلو این جنگ را می گرفتند جنگ را در میان شیعیان و سنیان خود نیز تشدید کردند و امریکا نیز که دید در این جنگ مذهبی نفع امریکا است برای هر دو طرف پول داد تا شبکه های تلویزیونی دُرُست و یاران پیامبر (ص) را به اصطلاح تلک و ترازو کنند که اگر پیامبر اکرم (ص) گفته بود بهترین عصر ها عصر من و بهترین مردم یاران من استند اینان با "شواهد" و "اسناد" ثابت کردند که بدترین عصر ها "عصر" پیغمبر و بدترین "مردم" نیز یاران پیامبر بوده اند.

می گویند که تهداب آی سبل که خدا از غیب سبش کند در زندان ابو غریب و به دست پال بریمر حاکم امریکایی عراق گذاشته شد و اینک آی سبل که باز هم خدا سبش کند بهانه ای دیگر است که قدرت های غربی قلبه زور را بر بام های مسلمانان بگردانند و برخی مردم ساده لوح که از ضعف نیروی استدلال معلول را مقدم بر علت می سازند قیام مردم بیچاره سوریه را که از ۲۰۱۱ میلادی بدین سو بر ضد یک جمهوری به میراث رسیده برای "بشار اسد" قیام کرده اند به مداخله این و آن منسوب می کنند.

به نظر اینان ایران که عملاً تابعان خود را در میدان جنگ سوریه به کُشتن داده است و ادعا دارد که بر خلاف تمام معیار های بین المللی جمهوری به میراث گرفته شده "بشار اسد" را حمایت می کند مداخله گر نیست ولی ترکیه که طیاره پوتین را در قلمرو فضایی خود سرنگون کرده است مداخله گر است.

من پنهان نمی کنم که به عنوان یک مسلمان از جواب قاطع ترکیه به پوتین لذت برده ام. اینان اگر معلول را بر علت مقدم نکنند باید بدانند که مردم سوریه در نتیجه جنگ از کشور خود به لبنان، عراق و ترکیه پناهنده شده اند. لبنان عراق و ترکیه اینان را به مهاجرت مجبور نکرده اند بلکه این قلبه زور قدرت های مختلف است که بر بام های مردم سوریه می گردد و آنان را مجبور می کند که ترک یار و دیار بگویند.

من امیدوارم مخالفان "بشار اسد" در سوریه آن درایت را پیدا کنند که مجاهدان افغان هرگز پیدا نکردند. مجاهدان افغان هرگز صاحب اراده آزاد و مستقل نشدند و دست نگر سیاست های پاکستان، عربستان و دیگران باقی ماندند و نتوانستند در جامعه خود یک نظام مبتنی بر عدالت و بازخواست به وجود بیاورند. پاکستان در میان شان قطعه قومیت را بازی کرد و در حالی که خود پشتون ها را سخت زیر استبداد خُرد کرده و رهبران شان را در زندان ها نگاه داشته بود در افغانستان خود را حامی پشتون ها معرفی کرد و مرحوم اُستاد ربانی را واداشت که در جست و جوی حامیان بیرونی به سراغ پوتین برود و او هم برای اینکه در مجامع بین المللی خود را از شر تاوان جنگ و جبران خساره افغان ها خلاص و در افغانستان برای خود جای پا باز کند و اشتباه رهبران شوروی را در افغانستان ماستمالی کند برخی از اعضای حزب خلق را با جمعیت اسلامی آشتی داد.

ایران نیز در افغانستان قطعاً زبان و مذهب را بازی کرد و اینک افغانستان به جایی رسیده است که قلبه زور همه همسایه ها بر بامش می گردند و طالبان نیز از "پرویز مشرف" که ایشان را بر امریکا فروخت هیچ درس عبرت نگرفتند و نفهمیدند که:

## رفتن به پایمردی همسایه در بهشت حقا که با عقوبت دوزخ برابر است

مخالفان "بشار اسد" در سوریه باید بدانند که در یک نظام مبتنی بر عدالت و دیموکراسی هیچ کس زیان نمی کند. ترک ها می ترسند که در شرق میانه مبادا کُرد ها قوی شوند و ترکیه، عراق و سوریه هر سه را گرفتار تجزیه نمایند اما یک رژیم دیموکراتیک معیار های خاص خود را دارد و به طور مثال مسلمانان در لبنان از داشتن یک رئیس جمهور مسیحی هیچ زیان نکرده اند.

مسأله اساسی این است که به هر قیمت ممکن باید در شرق میانه از روشن شدن آتش جنگ در میان شیعه و سنی جلو گیری شود.

مسلمانان باید به یاد داشته باشند که احیای خلافت حضرت عمر فاروق (رض) دیگر عملاً ناممکن است زیرا که مسلمانان این روزگار مسلمانان آن روزگار نیستند و هنگامی که مسلمانان عدالت را که هسته مرکزی هر رژیم سیاسی است کنار گذاشتند جنبش شعوبیه در میان مسلمانان به وجود آمد که سبب ظهور دولت های مستقل مسلمان گردید و اینک داعش یا آی سبل بیهوده تلاش دارد که عراده تاریخ را به وضع پیش از شعوبیه عقب ببرد که این ممکن نیست مسلمانان با قبول تنوع و رنگارنگی و تحمل مخالفان است که می توانند با سایرین همزیستی کنند.

عصر ما به شیوه تلقی "ابن عربی" و "مولانا" نیاز دارد. یا انسان در همزیستی و تحمل دیگران باقی می ماند و یا با فشاری بر رژیم های خود کامه و دیگر ستیز به سوی نوعی فاشیسم دینی می رود و جهان را در خطر یک جنگ اتمی قرار می دهد. فاعتبروا یا اولی الابصار.

برمنگهم ۱۱ دسمبر ۲۰۱۵ میلادی

نگارگر